



«ایران» دلایل واردنشدن بخشی از ارزهای صادراتی به کشور را بررسی می کند

سودجویی، وسط یک جنگ اقتصادی

۳۵ درصد کل صادرات، به چرخه رسمی کشور بازنگشته است. «وی اضافه کرد: «همچنین فقط در دولت چهاردهم (از سال ۱۴۰۱ تاکنون)، از مجموع ۱۴۶ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی، بیش از ۵۶ میلیارد دلار یعنی حدود ۳۸ درصد، هنوز به کشور بازنگشته است.» این نماینده نوشت: «مطابق قانون، عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات مصداق قاچاق کالا و ارز محسوب می شود؛ اما به گفته کارشناسان، اجرای ناقص و سهل گیرانه این قانون باعث شده بخش بزرگی از ارزهای صادراتی در خارج از کشور بلوکه یا صرف واردات غیررسمی شود. برخی تحلیلگران معتقدند، در صورت اجرای دقیق قانون و الزام صادرکنندگان به بازگرداندن ارز صادراتی، نه تنها کمبود منابع ارزی کشور جبران می شود، بلکه حتی مازاد ارزی نیز ایجاد خواهد شد که می تواند در کنترل نرخ ارز و ثبات بازار مؤثر باشد.» البته در اظهارنظر این نماینده یک اشکال جدی وجود دارد. این اشکال این است که وی در محاسبه برگشتن نرخ ارز به کشور، آمارهای سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ را جزو آمارها و عملکردهای دولت چهاردهم محاسبه کرده است. یعنی این نماینده با حساب اینکه از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ در مجموع ۵۶ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به کشور برگشته است، همه اینها را جزو آمارهای ارزی دولت چهاردهم حساب کرده است. درحالی که در فاصله ۱۴۰۰ تا مرداد ۱۴۰۳ دولت سیزدهم روی کار بوده و دولت چهاردهم یک سال و چهار ماه را از این آمار جدا می کند. رقم ارز صادراتی که به کشور برگشته است، در دولت چهاردهم به مراتب کمتر از ۵۶ میلیارد دلار خواهد بود، شاید چیزی حدود یک چهارم این رقم و حتی کمتر.

اقتصاد سیاسی

مرتضی گل پور

دبیر گروه سیاسی

سخنان رئیس جمهوری درباره سرنوشت ارزهای حاصل از صادرات محصولات غیرنفتی باعث بروز بحث هایی شد. برخی تلاش کردند جهت این بحث ها را به عملکرد دولت و کارآیی پایین دولت در اجرا و مدیریت سیاست های ارزی مرتبط کنند. اما در نگاه ثوأم با انصاف، این فقط مربوط به دولت چهاردهم نیست، بلکه معضلی «فرادولتی» است و اتفاقی است که در همه دولت ها، از دهم تا چهاردهم مسبوق به سابقه است. رئیس جمهوری چندی پیش در یک نشست، اینطور گفت: «الان یک میلیارد دلار نداریم، باید چانه بزنیم (که) از کجا پیدا کنیم؟! در حالی که طی ۷ سال اخیر نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار از صادراتی به کشور بازنگشته است. اگر قانون را درست اجرا کنید، آن اضافی هم خواهیم داشت.»

آنچه محل بحث شد، بخش دوم سخنان رئیس جمهوری در اینجا بود؛ یعنی اینجا که پزشکيان گفت «طی ۷ سال اخیر نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار صادراتی به کشور بازنگشته است.» یک نماینده مجلس که به داشتن دیدگاه «عدالت توزیعی» هم معروف است، به همین بخش از سخنان رئیس جمهوری واکنش نشان داد. این نماینده نوشت: «بر اساس آمار رسمی منتشرشده، از سال ۱۳۹۷ تاکنون حدود ۲۷۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی (به جز صادرات بخش دولتی شامل نفت، برق، گاز طبیعی و...) انجام شده است که از این میزان، حدود ۹۵ میلیارد دلار آن، معادل

«ایران» گفت که «به طور معمول، در سال های گذشته حدود ۲۵ درصد ارز صادراتی به کشور بازنگشته است.» ب

ه گفته این مقام، «میزان برگشتن ارز حاصل از صادرات به کشور در سال ۱۴۰۳ به ۳۵ درصد کل صادرات افزایش یافته است، یعنی ۲۰ میلیارد دلار از ۵۷ میلیارد دلار صادرات کشور، در حالی که طبق قانون باید ۱۰۰ درصد ارز به کشور برگردد.» این عضو دولت در پاسخ به اینکه چرا این ارزها به کشور برگشتند، آن هم درحالی که دولت دچار مضایق ارزی است، گفت: «دلیل اصلی برگشتن ارز، به شرکت های معدنی و پتروشیمی برمی گردد. اما به طور کلی، دو دلیل اصلی برای برگشتن ارز به کشور وجود دارد؛ دلیل اول، تشدید انتظارات توری ناشی از افزایش نرخ ارز در اثر عدم اطمینان های بنیادی و در نتیجه بین به عدم عرضه ارز است و دلیل دوم، شکاف بین نرخ ارز مبادله ای و نرخ ارز بازار آزاد که این شکاف، انگیزه بخش خصوصی را برای عرضه در سامانه کاهش داده است.»

سخنان این مسئول را این طور می توان خلاصه کرد: سودجویی یا خلق سود از محل افزایش قیمت نرخ ارز داخل. یعنی شرکت ها عموما ترجیح می دهند دلارها را را زمانی وارد کنند که سود ریالی بیشتری نصیب آنها کند و به این ترتیب خود را سودآور جلوه دهند، و این هم شرکت های که همه چیز خود را از دولت و ملت ایران دارند، از آب و گاز و برق تا خود صنعت.

چالشی برای همه دولت ها

تلاش برای واردکردن ارز صادرات و عرضه آن در چرخه تجارت خارجی به دولت یازدهم و دوازدهم برمی گردد. قبل از آن، نه آماری از ارزهای عرضه شده برای واردات وجود دارد، نه آمار از صادراتی حاصل شده. در همان دولت دوازدهم به ویژه پس از خروج ترامپ از برجام چنین رفتارهایی از برخی شرکت های شبه دولتی دیده می شد که باعث می شد تا این شرکت ها به دیربازنه ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی فراخوانده شوند که چرا از خود را وارد کشور نمی کنند. عمده نوسان های ارز در آن سال ها، خودداری نکردن ارزهای صادراتی در بازار بود که باعث کاهش عرضه دلار و در نتیجه افزایش قیمت آن می شد. امروز هم به نظر می رسد همین نگاه سودمحور، آن هم در شرایط جنگ اقتصادی، همچون معضلی است که بار دیگر سر باز کرده است. به این ترتیب این مسأله، نشان می دهد که اقتصاد نیازمند تفاهیمی از حوزه های دیگر است، مفاهمی مانند سرمایه اجتماعی که هم موتور توسعه محسوب می شود و هم ابزار مقاومت در شرایط جنگ اقتصادی. زبیر در سرمایه اجتماعی است که ایران و مردمش بالاتر از سود ارزیابی می شوند و در غیاب سرمایه اجتماعی است که شرکتی که همه چیزش را از ایران دارد، سود را بر ایران و مردمش ترجیح می دهد.



یک عضو دولت که به ستاد تدابیر ویژه نزدیک است، به «ایران» در پاسخ به اینکه چرا برگشتند، گفت:

دو دلیل اصلی برای برگشتن ارز به کشور وجود دارد؛ دلیل اول، تشدید انتظارات توری ناشی از افزایش نرخ ارز در اثر عدم اطمینان های بنیادی و در نتیجه میل به عدم عرضه ارز است و دلیل دوم، شکاف بین نرخ ارز مبادله ای و نرخ ارز بازار آزاد که این شکاف، انگیزه بخش خصوصی را برای عرضه در سامانه کاهش داده است

سردار رادان اعلام کرد خودروهای ضدگلوله فراجاد در سیستان و بلوچستان دو برابر می شود

تأمین امنیت برای حافظان امنیت

دفاعی

«شایسته پلیس نیست که با سمند به مقابله با اشرا برود.» این جمله، صرفا شکایت فرمانده کل انتظامی کشور از کیفیت ناوگان نیروهای پلیس نیست، بلکه تأکیدی بر لزوم نوسازی تجهیزات و امکانات فراجا، آن هم در راستای تأمین امنیت جامعه است. این سخن سردار احمدرضا رادان در یک گفت وگووی تلویزیونی بیان شد. فرمانده فراجا در این گفت وگو خبر داد که «با دستور و حمایت رئیس جمهوری، تعداد خودروهای ضدگلوله پلیس در سیستان و بلوچستان و از سال آینده در تمام کشور، بیشتر خواهد شد.»

این اظهارات فرمانده فراجا، نشان دهنده عزم دولت چهاردهم برای ارتقای کمی و کیفی تجهیزات نیروی انتظامی بویژه در حوزه مرزبانی و گشت های پلیس، علی الخصوص در مناطق عملیاتی مانند سیستان و بلوچستان است. جنوب شرقی ایران به دلیل فعالیت گروهک های تروریستی و تکفیری، از جمله «جیش الظلم» با چالش های امنیتی مواجه است. شهادت تعداد قابل توجهی از نیروهای انتظامی در این منطقه، بویژه در ۶ ماهه اول امسال، ضرورت بازنگری در کمیت و کیفیت تجهیزات و رویکردهای عملیاتی فراجا در این منطقه را بیش از پیش آشکار کرده است. بویژه اینکه در بسیاری از موارد نیروهای فراجا به دلیل کمین و تیراندازی گور اشرا و تروریست ها به شهادت می رسند.

حمله مسلحانه به گشت های غیر مسلح

منطقه جنوب شرق بویژه سیستان و بلوچستان، به دلیل موقعیت جغرافیایی و هم مرز بودن با کشورهای با شرایط امنیتی ناپایدار همواره در معرض تحركات مخرب گروهک های تروریستی و تکفیری است. گروهک های مانند «جیش الظلم»، که از حمایت برخی بازیگران فرامنطقه ای برخوردارند، با انجام ترورهای مسلحانه و کور به کور خودروهای گشتی پلیس و پاسگاه های مرزی، تلاش دارند امنیت این منطقه را به خطر بینازند. طبق اعلام سردار رادان، از ۴۶ شهید نیروی انتظامی در ۶ ماه

اقدامات دولت برای حمایت از فراجا



برش

دولت قدامات متعددی را برای حمایت از فراجا در دستور کار قرار داده است. یکی از مهم ترین اقدامات دولت، افزایش ۳۰ درصدی بودجه نیروی انتظامی در ۱۴۰۴ بود. این افزایش می تواند به تأمین تجهیزات پیشرفته، ارتقای زیرساخت های عملیاتی و بهبود شرایط معیشتی نیروهای انتظامی کمک کند. همچنین منابع مالی جدید، امکان سرمایه گذاری در پروژه های بلندمدت مانند توسعه ناوگان خودرویی ضدگلوله و خرید فناوری های نظارتی را فراهم می کند. بودجه ۱۴۰۴، به فرماندهی انتظامی اجازه داد متناسب با مأموریت های عملیاتی پلیس و به منظور نوسازی، به روزرسانی ناوگان خودرویی و ارتقای توان عملیات خودرویی خود، نسبت به واردات و تریخ ۴ هزار دستگاه خودرو اقدام کند. از دستور پزشکيان منی بر همکاری حداکثری با فراجا هم نباید غافل شد. بنابر اعلام فرمانده کل فراجا، رئیس جمهوری به وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت دفاع دستور داده در زمینه ضدگلوله کردن خودروهای گشتی و تأمین تجهیزات پیشرفته با فراجا همکاری کنند. بسیاری از این حملات تروریستی، خودروهای گشتی پلیس که عمدتا فاقد تجهیزات دفاعی مناسب مانند بدنه ضدگلوله هستند یا اصلا برای مأموریت های عادی مثل تصادف یا دعوای افراد به مأموریت اعزام می شوند، عمدتا به اهداف آسانی برای این ترورهای کور تبدیل شده اند. به عنوان مثال در ماه های گذشته، چندین خودروی گشتی پلیس در کمین گروهک های تروریستی مورد حمله کور قرار گرفتند که منجر به شهادت تعدادی از مأموران انتظامی شد. در اکثر قریب به اتفاق این حملات، تروریست ها نه از تجهیزات خاصی استفاده کردند، نه برنامه ریزی خاصی، آنان فقط مسیر حرکت خودروی پلیس را باسدن و مأموران را به گلوله بستند. اما این تنها مسأله ای نیست که تأمین امنیت نیروهای فراجا را ضروری می سازد.

فراجا، رکن اصلی تأمین امنیت

نیروی انتظامی به عنوان یکی از ارکان اصلی تأمین امنیت داخلی و مرزی، در خط مقدم مقابله با تهدیدات امنیتی قرار دارد. برخلاف نهادهای اطلاعاتی و امنیتی که عمدتا در پشت صحنه فعالیت می کنند و بنا به مورد درگیر عملیات می شوند، نیروهای پلیس به دلیل حضور میدانی و ملموس در جامعه، اولین و مناسب ترین هدف برای حملات تروریستی کور هستند.

برای مقابله با این وضعیت، یکی از ابتدایی ترین و در عین حال حیاتی ترین نیازهای نیروهای انتظامی، بویژه در مناطق چون سیستان و بلوچستان، استفاده از خودروهای مجهز به بدنه ضدگلوله است. سردار رادان در همان گفت وگووی تلویزیونی، در اظهار نظری تلخ، گفته است که «استفاده از خودروهای مانند سمند برای مقابله با اشرا، شایسته جایگاه نیروی انتظامی نیست.» به همین منظور و با اعلام او، «عملیات ضدگلوله کردن خودروهای گشتی آغاز شده و هدفگذاری شده است که تا پایان سال جاری، تعداد این خودروها در سیستان و بلوچستان به دو



یکی از مهم ترین اقدامات دولت، افزایش ۳۰ درصدی بودجه نیروی انتظامی در ۱۴۰۴ بود. این افزایش می تواند به تأمین تجهیزات پیشرفته، ارتقای زیرساخت های عملیاتی و بهبود شرایط معیشتی نیروهای انتظامی کمک کند

برابر افزایش یابد.» این اقدام می تواند به طور قابل توجهی ایمنی نیروهای عملیاتی فراجا را در برابر حملات تروریستی کور افزایش دهد.

تأکید رئیس جمهوری بر حمایت از کارکنان فراجا

این اظهارات سردار احمدرضا رادان درحالی است که رئیس جمهوری پزشکيان هفته گذشته در بازدید خود از ستاد فرماندهی فراجا که به صورت از پیش اعلام نشده صورت گرفت، بر ضرورت بهره گیری از فناوری های نوین مانند پهپادها در مأموریت های مرزبانی و مقابله با اشرا تأکید کرد. تأکید پزشکيان از آن جهت مهم است که پهپادها می توانند با پیش مداوم مرزها و شناسایی تحركات مشکوک، امکان واکنش سریع و پیشگیرانه را برای نیروهای انتظامی فراهم کنند. علاوه بر پهپادها، استفاده از سیستم های نظارتی پیشرفته، مانند دوربین های حرارتی، رادارهای زمینی و سامانه های ارتباطی امن نیز، می تواند توانایی نیروهای انتظامی را در رصد و خنثی سازی تهدیدات افزایش دهد.

چالش های مدرن سازی فراجا

با وجود اقدامات مثبت دولت، چالش هایی در مسیر مدرن سازی نیروی انتظامی وجود دارد. یکی از چالش ها، محدودیت های مالی و لجستیکی در تأمین تجهیزات پیشرفته است. تولید یا خرید فناوری های نوین مانند پهپادها و سیستم های نظارتی، نیازمند سرمایه گذاری قابل توجه و همکاری با شرکت های تخصصی است. همچنین، هماهنگی بین نهادهای مختلف، از جمله فراجا، وزارت دفاع و وزارت صمت، نیازمند برنامه ریزی دقیق و مدیریت کارآمد است تا از تأخیر در اجرای پروژه ها جلوگیری شود.

اینها گام های مهمی در مسیر تقویت نیروی انتظامی هستند. با وجود این، برای دستیابی به نتایج پایدار، سرمایه گذاری در سیستم های نظارتی پیشرفته، مانند پهپادها و دوربین های حرارتی، باید به صورت مستمر و با برنامه ریزی بلندمدت انجام شود. ضدگلوله کردن خودروهای گشتی، گرچه یک نیاز فوری است، اما مدرن سازی تجهیزات فراجا نباید به همین مورد محدود شود. مثلا علاوه بر خودروها و فناوری های نظارتی، نیروهای انتظامی باید به تجهیزات انفرادی پیشرفته مانند جلیقه های ضدگلوله سبک، کلاه های ایمنی مجهز به سیستم های ارتباطی و سلاح های دقیق تر مجهز شوند.

سیاسی

سرمایه اجتماعی: موتور پنهان توسعه

یادداشت



ناصر پوررضا کریم سرا

دکترای جامعه شناسی اقتصادی و توسعه

وقتی از توسعه سخن می گوئیم، ذهن ما به سوی سرمایه مالی، پروژه بزرگ عمرانی و کارخانه می رود. اما تجربه کشورها نشان داده توسعه فقط با پول و زیرساخت پیش نمی رود. سرمایه ای وجود دارد که در ظاهر دیده نمی شود اما بیشترین اثر را دارد: سرمایه اجتماعی. سرمایه اجتماعی دارایی ناملموسی است که در حساب های بانکی یا آمار ثبت نمی شود. این سرمایه مجموعه ای از اعتماد، روابط انسانی و هنجارهای مشترک است که مردم را به هم و به نهادهای اجتماعی پیوند می دهد. جامعه ای که در آن سطح اعتماد بالا باشد، کارها را آسان و کم هزینه پیش می برد. اما هر جا اعتماد فرو بریزد، ساده ترین فعالیت ها با موانع و هزینه های سنگین روبه رو می شود. امروز در ایران نشانه های فرسایش این سرمایه پنهان دیده می شود. گروه هایی از مردم به وعده های اقتصادی بی اعتماد شدند، مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی کاهش یافته و بی تفاوتی به مسائل عمومی دیده می شود. در چنین شرایطی اگر منابع مالی تازه ای به اقتصاد تزریق شود، اثرگذاری آن محدود خواهد بود، زیرا جاسب اجتماعی که همکاری و همیاری را ممکن می سازد، ضعیف شده است. سرمایه اجتماعی موتور پنهانی است که توسعه را به حرکت درمی آورد. وقتی این موتور از کار بیفتد، سیاست ها و پروژه ها با کندی یا شکست مواجه می شوند. در اقتصاد، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در کاهش هزینه مبادلات دارد. وقتی فروشنده و خریدار به یکدیگر اعتماد کنند، قراردادها کوتاه تر و اختلاف ها کمتر خواهد بود. اما نبود اعتماد، بازار را پرهزینه و بی ثبات می کند. امروز گروه هایی از فعالان اقتصادی در ایران از نبود پیش بینی پذیری و شفافیت گلایه دارند و این دقیقاً به سرمایه اجتماعی بازمی گردد. همچنین مهاجرت گسترده جوانان تنها ناشی از مشکلات مالی نیست، بلکه بخشی از آن نتیجه کم اعتمادی به آینده و نبود شبکه های حمایتی است. در حوزه سیاست نیز سرمایه اجتماعی تعیین کننده است. کاهش مشارکت در انتخابات یا بی تفاوتی نسبت به سیاست های عمومی نشان می دهد که اعتماد مردم به نهادهای آسیب دیده است. در ایران امروز یکی از مطالبات اصلی جامعه شفافیت و عدالت است. مردم زمانی با سیاست های دولت همراه می شوند که احساس خدایند قواعد بازی برای همه یکسان است و فساد و تبعیض جایی در ساختار ندارد.

بدون چنین شرایطی، حتی بهترین برنامه ها نیز با استقبال سرد مواجه می شوند. اهمیت سرمایه اجتماعی در زمان بحران ها آشکارتر می شود. تجربه سیل ها و زلزله های اخیر در کشور نشان داد هر جا اعتماد میان مردم و میان مردم و نهادهای رسمی بیشتر بود، همیاری و امدادرسانی سریع تر انجام شد. در مقابل، بی اعتمادی باعث شد کمک ها دیرتر به مقصد برسد و نارضایتی افزایش یابد. این نمونه ها نشان می دهد سرمایه اجتماعی نه تنها عامل توسعه اقتصادی، بلکه اساس تاب آوری اجتماعی و ملی است. اما این سرمایه ارزشمند به سادگی فرسوده می شود. فساد اداری، ناپرابری، تبعیض و نبود شفافیت همچون موربان به اعتماد عمومی آسیب می زند. وقتی جوانان احساس کنند مسیر پیشرفت بسته نیست و عدالت رعایت می شود، اعتماد به آینده افزایش می یابد. شبکه های اجتماعی نیز اگرچه فرصت های تازه برای ارتباط فراهم کرده اند، اما در صورت نبود سواد رسانه ای می توانند به بستری برای شایعات و دامن زدن به بی اعتمادی تبدیل شوند. بازسازی سرمایه اجتماعی در ایران نیازمند رویکردی ملی است.

در سطح کلان، شفافیت در حکمرانی، مبارزه با فساد و توزیع عادلانه فرصت شرط نخست است. مردم باید احساس کنند صدای آنان شنیده می شود و در تصمیم گیری ها سهم واقعی دارند. در سطح اجتماعی نیز تقویت سازمان های مردم نهاد، شوراهای محلی و رسانه های مستقل می تواند پل اعتماد میان جامعه و نهادهای رسمی باشد. در سطح خرد، آموزش در مدارس و خانواده ها باید ارزش همکاری، صداقت و اعتماد را به نسل جدید منتقل کند. توسعه پایدار تنها در کارخانه ها و پروژه های عمرانی معنا پیدا نمی کند، در روابط انسانی و اعتماد عمومی شکل می گیرد. ایران امروز بیش از هر زمان به بازسازی این سرمایه پنهان نیاز دارد. بدون سرمایه اجتماعی، سیاست ها موفق نخواهند شد، ضمن اینکه سرمایه مالی با طبعی هم نمی تواند جای آن را بگیرد.

اگر سیاست گذاران به دنبال راه حل پایدار مشکلات اقتصادی و اجتماعی هستند، باید به جای تمرکز بر شاخص های مالی، به سرمایه اجتماعی به عنوان «موتور پنهان توسعه» توجه کنند. آینده ایران در گرو بازسازی اعتماد، شفافیت در حکمرانی و ایجاد فرصت های واقعی مشارکت مردم است، نه فقط در گرو منابع مالی و طبیعی.

سیاست داخلی

روود «تمدن نوین اسلامی» به سیاست: نخستین مجمع عمومی حزب «تمدن نوین اسلامی»، پنجشنبه گذشته، ۱۷ مهرماه ۱۴۰۴ در تهران برگزار شد و به این ترتیب حزب جدیدی وارد صحنه سیاست در ایران شد. مجمع عمومی این حزب با حضور و سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان، سید یاسر جبرائیلی، حسین مصماوی و جمعی دیگر از فعالان فرهنگی و سیاسی همسو و همفکر همراه بود. اعضا شورای مرکزی حزب برای مدت دو سال انتخاب شدند و مقرر شد شورا در اولین نشست، رئیس و دبیرکل حزب را تعیین کند. همزمان با آغاز به کار شورای مرکزی، کمیسیون های تخصصی ملی و دفاتر استانی حزب نیز فعالیت خود را در سه محور اصلی «گفتمان سازی»، «گادریزی» و «برنامه ریزی» آغاز خواهند کرد. با توجه به اخبار موجود، ایده تأسیس حزب تمدن نوین اسلامی اولین بار تیرماه ۱۴۰۳ مطرح شد؛ زمانی که یاسر جبرائیلی با خداحافظی از مرکز ارزیابی سیاست های کلی مجمع تشخیص مصلحت نظام، از تشکیل حزب خبر داد. درخواست رسمی تأسیس ۱۵ بهمن ماه ۱۴۰۳ در جلسه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب مطرح شد و مورد موافقت قرار گرفت. آطور که بنیانگذاران عنوان کردند، تمرکز اصلی بر «ایدهدریزی»، «گفتمان سازی» و «آماده سازی نیروهای کارآمد» برای تحقق آنچه متولیان حزب «تمدن نوین اسلامی» عنوان کردند، خواهد بود. با این حال، صدور چند بیانیه رسمی در موضوعات سیاسی و اجتماعی، حاکی از آغاز حضور فعال این حزب در فضای عمومی کشور است. از اولین مواضع حزب تمدن نوین اسلامی می توان به «بیانیه مخالفت با درخواست خانه احزاب برای عفو محکومان امنیتی» اشاره کرد. در این بیانیه، «حزب تمدن نوین اسلامی» تأکید کرد که «وړود احزاب به موضوعات